فهرست

[مقدمه 2](#_Toc123464570)

[دلیل سوم 3](#_Toc123464571)

[مقدمه اول 3](#_Toc123464572)

[مقدمه دوم 6](#_Toc123464573)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در روایت حسین بن علوان بود که مرحوم آقای خویی به آن استدلال کرده بودند برای تعریف عورت ما بین سرة و رکبة. در این روایت یک بحث در جهت این بود که از قرب الاسناد نقل شده است و بعد به خود حسین بن علوان پرداختیم که توثیق می‌شود یا نه؟ اهمیت بحث حسین بن علوان ازاین‌جهت است که در تعداد نسبتاً معتنابه حسین بن علوان قرارگرفته است قریب به صد روایت است که حسین بن علوان در آن وجود دارد و علاوه بر این در سند عهد مالک اشتر قرارگرفته است تعداد دیگری از روایات ایشان دارای مطالب مهمی است ازاین‌جهت توثیق ایشان اهمیت دارد. وجوهی که میت وان برای توثیق حسین بن علوان بیان کرد عبارت بود از کلام مرحوم نجاشی درباره حسین بن علوان که مفصل بحث شد و به نظر می‌آمد در میانه دو سه احتمال انتخاب راحت نیست و تکافؤ شواهد به‌اندازه‌ای است که به‌راحتی نمی‌توان گفت کدام‌یک از احتمالات ارجحیت دارد. دلیل دوم کلامی بود که مرحوم علامه حلی در خلاصه از ابن عقده نقل کرده بودند و این بود که: إن الحسن کان اوثق من اخیه و احمده من اصحابنا این فرمایش مرحوم علامه هم چند جهت وجود داشت یکی اصل پذیرش کتاب ابن عقده و این که می‌توانیم اعتماد کنیم به این کتاب طبق نقل علامه یا نه و در اینجا هم علی‌رغم این که ترجیحی وجود دارد که این کتاب مشهور تا عصر علامه مشهور بوده است و نسخه‌هایی داشته است و ترجیحی می‌توان داد نسبت به پذیرش این سند کتاب در دست مرحوم علامه ولی در حدی که بشود اطمینان کرد و آن را حجت دانست شاید نتوان همراهی کرد و آن را پذیرفت و جهت دوم بحث در دلیل دوم و کلام ابن عقده این بود که اوثق من اخیه آیا دلالت بر توثیق بودن دو برادر به‌خصوص حسین دارد این هم بحث بود که گفته شد بنا بر یک احتمال این اوثق من اخیه دلالت بر توثیق دو برادر دارد و احتمال دوم دلالت می‌کند بر توثیق حسن دون الحسین و بنا بر احتمال سوم اوثق دلالت بر توثیق هیچ‌کدام نمی‌کند بنابراین که افعل تفضیل به کار رفته است برای تفضیل در وصف نسبی یا تفضیل تقدیری. هرکدام از این احتمالات وجهی داشت و ترجیح با این است که اوثق هردو را توثیق می‌کند ولی به حد اطمینان کامل نمی‌رسد اگر ما بودیم این جمله می‌گفتیم به این جمله هردو را توثیق می‌کنیم.

این دو دلیل بود که علی‌رغم این که می‌شود ترجیح داد توثیق حسین را ولی هیچ‌کدام به حد تام نمی‌رسد و این نکته را هم قبل از ورود به ادله بعدی اشاره‌کنیم که در کلام مرحومم نجاشی جمله‌ای بود که با تفضیل در کلام ابن عقده تناسب دارد و آن جمله‌ این بود که و الحسنُ اخصُ بنا و أولی، منتها این عبارت گرچه می‌شود همین بحث‌های افعل تفضیل را در آن به کاربرد ولی این که حاوی وثاقت هست یا نه محل بحث است ممکن است کسی بگوید اخص بنا فقط رابطه عاطفی با شیعه را بیان می‌کند و بنابراین کار به وثاقت ندارد و ممکن است کسی بگوید این به نحو دلالت التزامی حاوی وثاقت است که در این ضعفی است و لذا بخش دیگر کلام مرحوم نجاشی را بحث نکردیم و عمده بحث همین است که اخص و اولی تفضیل از چه نوع تفضیلی است تفضیلی است که هردو را به نحو مطلق یا نسبی یا تقدیری می‌شود توثیق هردو را به دست آورد یا توثیق هیچ‌کدام را افاده نمی‌کند و این که دلالت التزامی بر وثاقت دارد یا نه که در بحث دلالت التزامی تردید وجود دارد گرچه اشعاری هم در آن وجود دارد.

نکته استدراکی دیگر در کلام نجاشی این جمله است که برای حسین کتابی است که تختلفُ روایاتُه که این عبارت هم یک مباحثی در آن وجود دارد که ممکن است بی‌تأثیر نباشد که تأثیر مثبت یا منفی واضحی در آن نیست. پس دو دلیل در اینجا بود یکی سخن مرحوم نجاشی در رجالشان بود که در آن سه جهت بحث وجود داشت یکی در ثقة که گفتیم تکافؤ شواهد وجود دارد ویکی هم در الحسن اخص بنا و اولی است که این دلالت واضحی بر یکی از اطراف ندارد ویکی هم تختلف ُ الروایاتُه است که ما خیلی بحث نکردیم و ممکن است کسی آن را شاهد مخالفی بداند علی‌ای‌حال چه کلام مرحوم نجاشی و چه کلام مرحوم علامه به نقل از ابن عقده به‌تنهایی هیچ‌کدام نمی‌توانست دلالت تامی داشته باشد گرچه در مواضعی از این مباحث اشعار ترجیح داشت و توثیق را می‌رساند ولی اطمینان محل تردید بود.

# دلیل سوم

حسین بن علوان از رجال تفسیر علی بن ابراهیم است و اگر کسی توثیق عام تفسیر علی بن ابراهیم را بپذیرد می‌تواند ادعا کند که توثیق عام شامل حسین بن علوان ‌هم می‌شود در مواردی از تفسیر علی بن ابراهیم و در برخی از روایات آن حسین بن علوان در زنجیره اسناد آن حسین بن علوان وجود دارد و تعدادش حداقل سه چهار روایت وجود دارد که در تفسیر قمی می‌بینیم که حسین بن علوان در زنجیره سندی قرارگرفته است و اگر کبرویاً کسی توثیق عام رجال علی بن ابراهیم را بپذیرد طبعاً بر حسین بن علوان هم منطبق می‌شود. البته اگر توثیق عام را در رجال علی بن ابراهیم یا کامل الزیارات بپذیریم این توثیق مادامی است که تضعیفی وجود نداشته باشد که در تضعیف بعید است که از کلمات سابق استفاده شود.

کبری این توثیق عام مبتنی بر اثبات چند مقدمه است:

## مقدمه اول

بپذیریم که این کتاب تفسیر علی بن ابراهیم واقعاً همان تفسیر علی بن ابراهیم قمی اصل است که این بحث مفصل بحث شده است و کوتاه از این بحث این است که بدون تردید علی بن ابراهیم قمی که از رجال شهیر تفسیری و روایی ما هست دارای کتابی به نام تفسیر بوده است این را نجاشی و بزرگان نقل کرده‌اند و کتابی به‌عنوان تفسیر بوده است که روایات تفسیری را در آن جمع کرده‌اند و جمعی از اصحاب بوده‌اند که روایات ناظر به تفسیر را جمع کردند و یکی از آن‌ها علی بن ابراهیم است و مجموعه‌ای از کتب و منابع حدیثی ما داشتیم که ناظر به روایات تفسیری بوده است در اعصار اولیه و بعدها تفسیر عیاشی و نورالثقین در شیعه است که مستحضرید.

یکی از این کتاب‌ها کتاب علی بن ابراهیم بوده است که در اصل این تردیدی نیست ولی بحث این است که این کتاب تفسیر قمی که الآن در دست ما هست و نسخه‌هایی هم داشته است از صدسال قبل و چند بار تجدید شده است این همان تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که نجاشی به آن اشاره دارد و سند دارد و درست یا این که نمی‌شود گفت این کتاب همان کتاب است؟ این محل بحث است و شبیه خیلی از کتب دیگر مثل قرب الاسناد. انواعی از کتب داریم که امروز در دست ما هست و اصل صحیح و معتبری هم داشته است اما در این که این همان است تردید وجود دارد. چه کتاب‌هایی که الآن در دست ما هست و چه کتاب‌هایی که الآن در دست ما نیست ولی باواسطه در جای دیگر نشانی از آن هست مثل رجال ابن عقده که بحث کردیم که آیا آن کتاب که در دست علامه بوده است همان کتاب مشهور واصلی بوده است یا نه؟ این‌همانی بین این کتاب‌های متأخر با کتاب‌های متقدم پایه‌ای می‌خواهد و پایه این‌همانی دو چیز است:

1-یا سلسله سند معتبر است

2- یا اشتهار است.

در مورد تفسیر علی بن ابراهیم هم الکلام الکلام. سؤال این است که این همان تفسیری است که به آن اشاره‌شده در کتب معتبر و قطعاً وجود داشته و کتاب مهمی هم بوده است یا اینکه این‌همانی را نمی‌شود اثبات کرد.

در اینجا هم تعارض آراء و تضارب افکار و شاید به نحوی تکافؤ شواهد وجود دارد. سه قول است:

1. یک قول این است که این همان تفسیر علی بن ابراهیم است حتی با آنچه در مقدمه‌اش آمده است
2. انواع شواهد داریم که این، آن کتاب نیست که از صاحب ذریعه شروع شده و شاید قبلش هم بوده است و ایشان اشاراتی دارد که این کتاب همان نیست تا متأخرین. می‌گویند این همان نیست و این کتاب برای ابوالفضل عباس است که امام‌زاده هم بوده است یا آقای زنجانی می‌فرماید مربوط به علی بن حاتم قزوینی است یا حتی احتمال دیگری هم شاید وجود داشته باشد. قائلین به این که این کتاب برای علی بن ابراهیم قمی نیست خودش دو سه نظر دارد.
3. قول به‌تفصیل است که برخی از این تفسیر با شواهد و قرائنی که دارد حتماً برای علی بن ابراهیم است تا سوره آل‌عمران و بخشی از آن‌هم همان نیست و شواهدی دارد که کسی مثل شاگردان علی بن ابراهیم یا رواة دیگر مثل ابوالفضل عباس یا کسانی از این قبیل دستمایه خود را در کتاب علی بن ابراهیم قرار داده است و بخشی از آن مربوط به همین کتاب است و بخش‌های دیگر از کتب دیگری اضافه‌شده است. از جمله‌ این که این روایات تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه‌السلام بوده است ولی بعد کسی که آن را بازسازی و تلفیق کرده است افزون بر آنچه علی بن ابراهیم از امام صادق در ذیل آیات نقل کرده بوده است روایات ابی الجارود را افزوده است که روایات او از امام باقر است و این‌ها فراتر از این دو اثر هست این کتاب.

سؤال: نسخه موجود در دست ما از کیست؟

جواب: این نسخه هم نسخه مسلسل به آن صورت نیست و از زمان علامه مجلسی است و بالاخره انقطاع دارد و کتاب پیوسته‌ای مثل اصول کافی نیست.

خوب است که توجه داشته باشیم که تعدادی از کتاب‌ها داریم که نام آن‌ها هست ولی الآن هیچ اثر از آن نیست مثل اصول اربعه مائه، و کتب روایی داریم که الآن به هیچ نحوی نیست و به‌غیراز اصول اربعه معه و تعدادی از کتابچه‌هایی که در رجال نجاشی و مرحوم شیخ به آن‌ها اشاره‌ای شده است و امروز هیچ اثری از آن‌ها نیست مدینه العلم مرحوم صدوق هم هست. در نقطه مقابل هم کتب حدیثی مهمی داریم که به نحو شیاع در دست ما است و طبقه به طبقه مانده است و خیلی از این‌ها سند رسمی هم دارد و میانه این‌ها مجموعه کتاب‌هایی است که هر از چند گاهی بحث می‌شود مثل کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی که الآن چیزی از آن باقی است ولی این که این همان است تردید است.

این مبحث اول در تفسیر علی بن ابراهیم است که این کتابی که در دست ما است همان کتابی است که متقدمینی مثل نجاشی به آن اشاره‌کرده‌اند یا نه؟ و اقوال را اشاره کردیم قولی که می‌گوید این همان است و همه مناقشات را دفع می‌کند و قول دوم می‌گوید این آن نیست و نمی‌شود به آن اعتماد کرد و قول سومی که می‌گوید این همان نیست ولی می‌شود تا حد زیادی مضبوط کرد و معلوم است چه مقدار آن با شواهد و قرائن مربوط به علی بن ابراهیم است و چه مقدار از آن از جای دیگر به آن افزوده و تلفیق‌شده است از ابی الجارود و امثال آن. ما نمی‌خواهیم بحث جامعی در مورد این انجام دهیم و از مواردی است که تاکنون بحث مفصلی در مورد آن نکردیم ولی می‌شود گفت در اینجا هم شبیه جاهای دیگر می‌توان شواهد خوبی آورد که این کتاب همان کتاب است و بعضی اعتماد می‌کنند مثل آقای شب‌زنده‌دار که می‌گوید این کتاب‌ها اشتهار داشته است و بعضی شبهه‌ها را دفع می‌کنند و آقای خویی هم همین را قبول دارد گرچه به این تصریحی نکرده ولی چون رجالش را پذیرفته است گویا از این عبور کرده است. بنابراین یک نظریه همان نظریه اول است که این کتاب شیاع دارد و اشتهار دارد و شبهه‌ها را دفع می‌کند و نظریه دوم هم می‌گوید این همان نیست و قائلان زیادی هم دارد و لااقل تردیدهای زیادی وجود دارد که این همان باشد و آقای زنجانی هم از همین قبیل هستند که این‌همانی را نپذیرفتند.

سؤال: ایشان سر درس می‌گویند باید در تفسیر مجمع‌البیان‌ هم تحلیل شود که این نقل‌هایی که می‌کند چقدر مطابقت دارد.

جواب: بعضی این کار را تا حدی انجام داده‌اند و روایات زیادی که هست در کتاب کافی و بعضی منابع روایی وجود دارد ولی این هم به حدی نیست که اطمینان حاصل شود.

این هم بحث اول بود که این‌همانی کتاب تفسیر علی بن ابراهیم در دست ما با تفسیر اصل شواهد متعارضی وجود دارد و این که کسی بخواهد با همین مبحث به دیدگاه روشنی برسد و اتخاذ نظر اول یا دوم یا سوم کار سخت و دشواری است و به‌سادگی نمی‌توان به نتیجه رسید. حتماً بخش‌هایی از آن‌همان است و این کتاب فی‌الجمله حاوی بخش مهمی از چیزهایی است که در کتاب علی بن ابراهیم بوده است که بخش عمده‌ای از این کتاب همان است و بر این شواهدی وجود دارد اما این علم اجمالی کافی نیست که در هر موردی بگوییم این همان است.

سؤال: ...

جواب: نه هر شاهدی شما بگویید غالباً در طرفین قائلین به دو طرف مسئله مطرح‌شده است و هرکسی با توجه به ترجیح یکی از این شواهد به سمت یکی از این قول‌ها رفته است و چیزی که قاطع مشکل را برطرف کند وجود ندارد و به نظرم این بحثی که ترجیح داده‌شده است که این کتاب ابوالفضل عباس است در نقطه مقابل خدشه‌هایی دارد یا علی بن حاتم قزوینی است این هم اطمینان تام ندارد بنابراین ترجیح وجود دارد که این کتاب همان کتاب است ولی اینکه بتوان اعتماد کاملی کرد و بر اساس آن پیش رفت کارد دشوار و سختی است.

## مقدمه دوم

می‌شود توثیق عام را از مقدمه استفاده کرد یا نه؟ در مقدمه دارد رواهُ ثقاتنا، آنچه ما در این کتاب نقل می‌کنیم چیزی است که بزرگان و ثقات آن را نقل کرده‌اند و در بحث دوم گفته شده است که مرحوم آقای خویی هم این نظر را داشته‌اند که روایات علی بن ابراهیم ثقات‌اند برای اینکه توثیق عامی در مقدمه کتاب آمده است که کلیه رواتی که در زنجیره اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قرارگرفته‌اند را پوشش می‌دهد. این مقدمه علی بن ابراهیم توثیق عام نسبت به روات این تفسیر است و این نظریه این است که صاحب وسائل داشته است و آقای خویی هم همین را گفته است و متأخرین هم این توثیق عام را می‌پذیرند و در مقابل این نفی این توثیق عام است منشأ نظریه اول این است که این کتاب را همان کتاب را بدانیم و مقدمه هم نقل از خود علی بن ابراهیم است و دلالت توثیق عام هم می‌کند در استدلال به توثیق عام علی بن ابراهیم پذیرفته‌شده است و با مشرب اخباری هم این سازگار است و اخباری‌ها نگاه وسیع دارند در توثیق و کسانی هم که این را نمی‌پذیرند طبعاً در یکجایی از این مقدمات اشکال وارد می‌کنند.

برخی گفته‌اند این کتاب همان کتاب نیست و این‌همانی کتاب که زیر سؤال برود این قسمت هم از بین می‌رود و معلوم نیست که مقدمه از چه کسی است از ابوالفضل است یا علی بن حاتم قزوینی و در این تردید است و تردید ازاین‌جهت است که ابوالفضلی که به آن نسبت داده‌شده است و از امام زادگان است توثیق ندارد و خود این هم موردبحث است که برخی می‌گویند امام‌زاده با این وضع توثیق نمی‌خواهد و برخی هم می‌گویند امام‌زاده‌ها انواعی داشتند و نیاز به توثیق دارد مخصوصاً که چند نسل فاصله شده است.

سؤال: توثیق خاص دارد؟

جواب: نه توثیق خاص ندارند مگر این که کسی بگوید امام زادگی ولو با چند واسطه اطمینانی می‌آورد که ثقه است و جلالتی داشتند که احتیاج به توثیق حس نمی‌شده است و ازاین‌جهت توثیق نشده‌اند.

سؤال: عباس بن محمد اشتهار نداشته؟

جواب در آن حد نه که همه آن را بپذیرند بعضی در آن حد هستند مثل حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها یا حضرت عبدالعظیم که توثیق هم دارد به‌علاوه وسائطش هم زیاد است و هرچه وسائط زیاد باشد، محل تردید قرار می‌گیرد.

سؤال: ظاهراً ایشان شاگرد علی بن ابراهیم بوده و واسطه مهم ایشان بوده؟ و در بعضی از جاهای کتاب، رجعٌ الی تفسیر علی بن ابراهیم دارد.

جواب: بله؛ این همان نظریه سوم را تأیید می‌کند؛ این رجعٌ که در بعضی جاها دارد تأیید می‌کند که این کتاب تلفیقی است و تلفیق حساب‌شده‌ای است و این نظر سوم خالی از وجه مرجح نیست.

سؤال: یعنی رجوع کرده؟

جواب: بله کامل الزیارات رجوع کرده است در درس آیت‌الله تبریزی بودیم در حسینیه ارگ و زمان جنگ و کسی آمده بود و به شکلی دست‌نوشته ایشان آورد و به آیت‌الله تبریزی داد و این همان‌جا اعلام شده که آن مربوط به کامل الزیارات است.

سؤال: ...

جواب: ما چیزی نسخ و نقض ندیدیم ولی نسبت به کامل الزیارات ایشان برگشتند.

به‌هرحال این توثیق عام در مقدمه دوم هم مواجه با چند اشکال است یکی این که این‌همانی و این مقدمه برای چه کسی است و ترجیح هم این است که برای ابوالفضل عباس است و توثیق او هم تام نیست و اگر هم باشد باید توثیق خودش باشد و این توثیق عام هم باشد و سختی و دشواری دارد و ازاین‌جهت محل مناقشه قرارگرفته است.

سؤال: ...

جواب: این‌ها از شواهدی است که ابوالفضل عباس توثیق می‌شود امام‌زاده بوده است و وجه قدحی هم نقل نشده است و شاگرد نزدیک علی بن ابراهیم بوده است و نقل می‌کند اگر این‌ها کنار هم قرار بگیرد ممکن است توثیقی باشد.

مناقشه دوم هم این است دلالت این کلام تام نیست. رواهُ ثقاتنا یعنی همه رجالی که در این کتاب آمده است ثقه‌اند یا این که رواتی که خود علی بن ابراهیم از آن‌ها نقل می‌کند مشایخ او ثقه هستند یا این که رجالی که از امام نقل می‌کنند آخر سند یا اول سند، به دو اعتبار، ثقه هستند؟ یا این که فی‌الجمله این را می‌گوید و علی‌الاصول این‌هایی که در این کتاب هستند ثقه هستند فی‌الجمله محدود نیست بلکه عمده آن‌ها. گاهی تعبیری در مورد فی‌الجمله می‌آید که باید اصلاح شود یعنی عمده این‌ها از ثقات است و انتخاب این‌ها کمی دشوار است که بین چند نظریه که در تفسیر رواهُ ثقاتنا می‌شود گفت.